



قولی عمومی جهاد اکبر



بیانات حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد حاج علی اکبری

در جمع مربیان و شبکه پشتیبان خاوران
اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

جلسه سوم - مورخ ۱۴۰۱/۰۱/۲۷

- مقدمه
- خودسازی، بنیان اصلی تربیت
- محورهای اقدامات مربی
 ۱. منزل یقظه و بیداری
 ۲. تضرع به درگاه خداوند متعال
 ۳. ظرفیت توسل به اولیاء الهی
 ۴. کمک‌خواهی از راه‌شناسی امین
 ۵. مدیریت زمان در مبادی سیر
 ۶. دوام جهاد
- تمثیلی برزخی
- سؤالات مخاطبین
- راهکارهای عمومی در مبارزه با نفس
- سیدالکریم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّهِمْ

مقدمه

کلمه ممتاز و ارزشمندی است که به حمدالله در اختیار همه هست. انشاءالله از آن به خوبی بهره‌مند شویم.

موضوع بحث ما این بود که برای خودمان چه کار باید بکنیم؟ عرض کردیم می‌خواهیم یک مقدار راجع به سهم خودمان از مباحث تربیتی گفتگو کنیم. انشاءالله یک چند جلسه‌ای به عنایت الهی و به مدد حضرت خدیجه کبری (سلام‌الله‌علیها)؛ که ضمناً ماه مبارک رمضان یک فرصت ویژه و ممتازی برای یاد این بانوی بزرگ هم هست، می‌خواهیم در این باره چند جمله‌ای عرض کنیم.

خودسازی، بنیان اصلی تربیت

جلسه گذشته عرض کردم این که فرمودند کسی که در جریان دیگرسازی هست و نقش مربی‌گری را خواسته یا ناخواسته، با قصد یا بدون

ایام پربرکت و پر نور ماه مبارک رمضان و میلاد فرخنده امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) را به همه شما عزیزان صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. انشاءالله بر شما، خانواده‌های عزیزتان و اعضای عزیز انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان و همه دوستان اهل بیت (علیهم‌السلام) مبارک باشد.

امیدواریم همه عزیزان به لطف الهی و به عنایت پروردگار متعال تا به اینجای ماه مبارک رمضان از ظرفیت‌های استثنایی این ماه بهره‌مند شده باشند. فرصت عظیم و بزرگ برای کار خودسازی و ره‌توشه گرفتن از این ماه، برای تقویت بنیه ایمانی و رفع اشکالات و حل مسائل، فرصت حقیقتاً ممتازی است که پیش‌روی ما است. یک فرصت به معنای دقیق



قصد، مخصوصاً با قصد برعهده دارد، خوب است که از این فرصت برای ساختن خودش و تقویت اخلاقی و معنوی خودش بیشترین استفاده را ببرد. در روایت صریح امیرالمومنین (علیه‌الصلوة والسلام) فرمودند «کسی که در جریان ادب کردن خودش هست این بیشتر باید تکریم بشود و تجلیل بشود تا کسی که در صدد ساختن دیگران است». این همان بنیان اصلی در تربیت است. در یک کلمه آن بنیان اصلی و مبنای اصلی در تربیت دیگران، تربیت خودمان است.

اگرچه گاهی درباره تقویت این ظرفیت که مبانی اخلاقی و مبانی فکری در آن حرف اول را می‌زند یک مباحثی هم این روزها مطرح است که می‌گویند «زبان وجود»؛ یعنی قبل از اینکه شما زبان ظاهری‌تان را برای گفتن و راهنمایی دیگران باز کنید، قبل از این زبان اصلی شما و

زبان وجود شماست که سخن می‌گوید و با دیگران ارتباط برقرار می‌کند و به صورت متفاوتی این ارتباط برقرار می‌شود. این نکته اتفاقاً در مبانی روایی ما هم دارای نشانه‌هایی است که اکنون من در مقام تفصیل و تبیین آن نیستم.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال ما و شما را؛ مخصوصاً این گوینده حقیر را جزء کسانی قرار ندهد که گرفتار حسرت عظمی می‌شوند. کسانی بر اثر یادآوری‌ها و راهنمایی‌های ما، بالاخره این‌ها راه را پیدا می‌کنند، مسیر رشد خودشان را شناسایی می‌کنند، یا احیاناً در مسیر سرعت پیدا می‌کنند، ولی ما که آنها را راهنمایی کردیم نکنند خودمان این گوشه و کنار معطل باشیم و عقب مانده باشیم که این حسرت خیلی بزرگی دارد.

عمده این است که انسان پیش‌نیازهای امر تعلیم و تربیت و تصدی حوزه تعلیم و



«ساحت عقل». در هر بخشی نکته‌هایی قابل تأکید و یادآوری هست. ما فعلاً در محور اول چندجمله‌ای عرض می‌کنیم که همین مباحث مربوط به «ساحت نفس» می‌باشد. در این بخش سه قوه است که این سه قوه باید سازماندهی و مدیریت شوند. از یک سو قوه «شهویه» است، از یک سو قوه «غضیبیه» است و از یک سو قوه «وهمیه» است. یعنی ۳ نیروی نفسانی در وجود ما فعال است و با قوت اقدام می‌کند که عبارت است از «شهو، غضب و وهم».

آنهایی که اهل فن هستند می‌گویند که کارگزاری «وهم» برای نیروهای غیرالهی و شیطانی، خیلی جدی‌تر از غضب و شهوت می‌باشد. بلکه در واقع این قوه وهمیه است که آن دو نیروی دیگر را هم فعال، بسیج، هیجانی و طوفانی می‌کند. در محور جهاد با نفس که در روایات

تربیت را با قوت فراهم کند و به نظر می‌رسد اولین و مهم‌ترین پیش‌نیاز در تصدّی تربیت و تعلیم دیگران تعدیب خویشتن است که انسان خودش را به آداب الهی مؤدّب کند. در روایت نورانی فرمودند «مَنْ تَأَدَّبَ بِآدَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَذَاهُ إِلَى الْفَلَاحِ الدَّائِمِ؛ اگر کسی به آداب الهی خودش را مؤدّب کند، این به آن صلاح و سعادت و خوشبختی دائمی ان‌شاءالله دست پیدا خواهد کرد و خواهد رسید».

محورهای اقدامات مربی

اقداماتی که مربی برای خودش باید انجام دهد در واقع مهندسی و مدیریت نفس خودش است. اقداماتی که باید انجام بدهد در بهسازی وضعیت قلبی و عقلانی خودش. یعنی در «ساحت نفس»، در «ساحت قلب»، و در



1. منزل یقظه و بیداری

اگر بخواهیم مستقیم برویم سراغ اصل مسئله و بخواهیم آن قواعد را مرور کنیم که به منزله نقطه‌های اصلی راهنمایی ما محسوب می‌شوند، باید عرض کنم آن قاعده نخست عبارت است از همین حالت یقظه و بیداری که معمولاً از آن به عنوان منزل اول یاد می‌کنند. «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأَحَدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَىٰ وَفَرَادَىٰ»^۲ یعنی اولین قدم می‌گویند همین قدم بیداری است.

منظور ما از «بیداری» در اینجا به شکل خاص عبارت است از آن روشن‌بینی که انسان باید نسبت به وضعیت و موقعیت خودش پیدا کند. یعنی شناخت و اشراف و معرفتی که باید نسبت به وضعیت و موقعیت خودش به دست بیاورد.

من بالآخره وضعیتم چگونه است؟ خود واقعی من در چه

۲ - بحار الانوار، جلد ۲۳، صفحه ۳۹۱

ما از آن تعبیر شده به «جهاد اکبر»، اگر بنا باشد در این بخش ما یک نقشه‌ای را به آن مجهز شویم که با این نقشه بتوانیم در عرصه «جهاد اکبر» ان‌شاءالله سربلند و موفق و پیروز بیرون بیایم، چند قاعده به نحو قاعده عام است. این قواعدی که عرض می‌کنم، هم در مبارزه با قوه وهمیه، هم در مبارزه با قوه غضبیه و هم در مبارزه با قوه شهویه ما را یاری خواهد کرد. در هر سه میدان ما به لطف خدای متعال ان‌شاءالله می‌توانیم وارد یک مبارزه و جهاد و درگیری ظفرمند و کامیاب شویم.

من این اصول و قواعد را سعی می‌کنم خیلی مختصر خدمتان تقدیم کنم. چون بحث ما بحث‌های خیلی تفصیلی نیست. این عنوان در ارتباط با حوزه مربی‌گری بحث پیش‌نیازهاست که تقدیم می‌شود.



موقعیتی قرار دارد؟ نسبتش با خود حقیقی چگونه است و آیا من در حال سیر هستم؟ در حال سلوک هستم؟ در حال پیشرفت هستم؟ در حال درجا زدن هستم؟ در حال رفتن به سمت قهقرا هستم؟ بالاخره وضعیت من در مجموع چگونه است؟ نسبت من با دشمن در این جبهه چگونه است؟ آنها را چقدر من می‌شناسم؟ این نقاط قوت من کدام هستند؟ نقاط ضعف من کدام‌ها هستند؟ در این مسیر طی شده بیشتر از چه ناحیه‌ای ضربه خورده‌ام؟ چه چیزی باعث می‌شود که من به آن شکل مطلوب سیر نداشته باشم؟ سرعت مناسب نباشد، سرعت‌گیرهای من در مسیر چه چیزهایی هستند؟

اشراف به این وضعیت، شناختش و شناخت حضوری و تفصیلی درواقع همان نقطه‌ای است که می‌شود گفت جزء نقاط جدی و نقطه عزیمت

در این عرصه محسوب می‌شود و لازم است که ما به توفیق الهی برای این مسئله سرمایه‌گذاری کنیم و اگر به فضل پروردگار متعال در این زمینه اشراف‌مان خوب است کاملاً به وضعیت خودمان وقوف داریم. نقاط قوت و ضعف خودمان را می‌شناسیم، تعلل‌هایمان را می‌شناسیم، سرمایه‌های وجودی‌مان را از آن خیلی خوب باخبر هستیم. اگر کسی می‌تواند چنین ادعاهایی کند که درباره معرفت نفس و شناخت موقعیت و وضعیت خودش این‌قدر پیشرفت کرده و این‌قدر اشراف دارد، ما باید به او درود بفرستیم و برای او آرزوی توفیق کنیم. توفیق، توفیق بزرگی است و برای هر کسی پیش نمی‌آید.

این که فرمودند «مَعْرِفَةُ النَّفْسِ أَنْفَعُ الْمَعَارِفِ»^۳ ناظر به همین مسئله است. فرمودند سودمندترین شناخت‌ها همین شناخت است که انسان قوای



نفسانی‌اش را، سرمایه‌های خودش را، میدان شخصیت و وضعیت خودش را در ارتباط با دشمنان و امثال اینها خوب شناسایی کرده باشد.

اگر کسی در این موقعیت قرار گرفت چنین کسی را می‌گوییم وارد منزل نخست از منازل سلوک شده است، یعنی «منزل بیداری». این آدم، آدم بیداری است. یعنی از آن وضعیت بی‌توجهی و غفلت خارج شده است. البته خود منزل یقظه و منزل بیداری هم مراتبی دارد که در جای خودش باید درباره‌اش گفتگو شود، من اکنون وارد آن بحث نمی‌خواهم بشوم. اگر توانستید به آنچه که من عرض کردم برسید، در واقع می‌شود گفت شما وارد منزل بیداری شده‌اید و می‌شود از یک چنین کسی توقع داشت که قدم‌های بعدی را خیلی با قوت و با موفقیت بتواند ان‌شاءالله و به لطف حضرت حق بر دارد.

این پس می‌شود اصل اول. در این بخش مخصوصاً من پیشنهادم این است که هر کدام از ما بدون فوت وقت و در همین ماه مبارک رمضان یک وقت خلوتی قرار بدهیم و به این سوالات پاسخ بدهیم. مخصوصاً به سوالات مربوط به نقاط قوت و ضعف خودمان از منظر سلوک الی‌الله تبارک و تعالی که ما در ساحت سیر به سوی حضرت حق تبارک و تعالی بینیم در چه وضعیتی هستیم. این را اگر ما بتوانیم احصاء کنیم و یک برداشتی از آن بگیریم خیلی کمک‌کننده است. وضعیت ما در نسبت با با قوه غضبیه‌مان چگونه است، وضعیت ما در نسبت با قوه شهویه‌مان چگونه است، وضعیت ما در ارتباط با خیالات و وهم و اوهام چگونه است، آیا توانستیم به این‌ها مسلط شویم؟ آیا توانسته‌ایم اینها را خوب مدیریت کنیم و قوت و ضعف‌هایمان در



این نواحی چگونه است؟ پس این می‌شود نکته اول که آن اصل نخست یعنی اصل شناخت و اشراف است که نباید دست‌کم گرفته شود. این بسیار مسئله و نکته مهمی است.

خدای متعال کمک بخواهد. اگر انسان از خداوند متعال کمک بخواهد، شما فکر می‌کنید خدا یاری نمی‌کند؟ چنین چیزی اصلاً به ذهن می‌آید؟ «قادر، متعال، رحمان، رحیم، کریم»؛ بنده‌ی ضعیف، سراپا فقر، سراپا ضعفش، اصلاً قابل تصور هست که چنین کسی کمک بخواهد و خدای متعال کمکش نکند، یاری نشود، اصلاً چنین چیزی ممکن هست؟ این طبق قواعد الهی محال است. بنابراین حتماً شما یاری می‌شوید، فقط صدق می‌خواهد. انسان راست بگوید و این واقعاً صادقانه در پیشگاه خداوند متعال از حضرت حق کمک بخواهد.

یکی از اساتید می‌فرمودند این تعبیر قرآن کریم که فرمود «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»؛ «آمارهٔ بالسُّوءِ» که این دائماً فرمان به بدی صادر می‌کند، آن هم نه به صورت

2. تضرع به درگاه خداوند متعال

قاعده و اصل دوم عبارت است از کمک‌خواهی از پروردگار متعال و پناهنده‌شدن به ساحت قدس ربوبی. انسان وقتی در این منزل اول و در این مرحله اولی که عرض کردیم یک مقدار توجه‌اش تقویت شد، به‌زودی در می‌یابد که در برابر کشش‌ها و جاذبه‌ها، هیجان‌ها و طوفان‌هایی که در محیط نفسانی پیش می‌آید، خیلی کم می‌آورد و حقیقتاً احساس ضعف می‌کند. اینجا درست آن نقطه‌ای است که باید انسان پناهنده شود به ساحت قدس ربوبی و از



یک امر عادی، «أَمَارَةٌ» یعنی فرمان‌های جدی برای این‌که ما را به گناه و معصیت و خروج از قواعد بندگی بکشاند صادر می‌کند. ایشان می‌فرمودند که این نقطه اماریت عمده‌تاً مربوط به این گروه وهمیه است و مربوط به اینجاست و شیطان عمده سرمایه‌گذاری‌اش برای اینکه بتواند بنده‌های خدا را از صراط مستقیم خارج کند از طریق فعال‌سازی قوه وهمیه و دامن زدن به خیالات است.

از طریق قوه وهمیه است که دو قوه دیگر نفسانی ما را فعال‌سازی می‌کند. همچنان که اشاره کرد عمده‌تاً تهییج شهوات و غضب از این طریق است. به اینها شما اضافه بفرمایید وجود شیاطین جنی و انسی که آنها قسم خورده هستند که «لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ»؛ یک دشمن قسم خورده‌ای هم ظاهراً وسط میدان هست. تعارف ندارد، در عملیات

اغواگری خیلی جدی است، شب و روز هم نمی‌شناسد، خسته هم نمی‌شود، استراحت هم ندارد، کاملاً عازم به میدان هست، انگیزه کافی هم دارد برای اینکه بخواهد ماها را از مسیر باز بدارد، بخواهد از مسیر خارج کند، بخواهد حرکت ما را کند کند، بخواهد انگیزه‌مان را از سیر به سوی خداوند متعال و منازل کمال کاهش بدهد. استاد این کارها هم هست، یعنی قشنگ بلد است، از کجاها باید وارد بشود، مسیرهای ورودی‌اش را خوب می‌شناسد.

از طرف دیگر وقت‌مان هم خیلی کم است. یعنی این جور نیست که به جناب‌عالی یک وقت تضمین شده بدهند و بگویند شما مثلاً پانصد سال، بگویند سیصد سال، بگویند دوست سال، بگویند صد سال؛ چه کسی همچین فرصتی را به شما می‌دهد؟ یک وقت معینی هست که



شکایات کنندگان است. اولش هم می‌گوید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَهِي إِلَيْكَ أَشْكُو نَفْسًا بِالسُّوءِ أَمَّارَةً، وَ إِلَى الْخَطِيئَةِ مُبَادِرَةً؛ خدایا من آمدم نزد تو از این نفسی که به بدی‌ها فرمان می‌دهد و من را به سمت خطاها سوق می‌دهد و نسبت به معصیت من را به ولع می‌اندازد و حریص می‌کند، پُر بهانه است، آرزوهای دور و دراز دارد، بی‌تاب است، قدر ناشناس است، پُر هوس است، عاشق سرگرمی است، پُر از غفلت و فراموشی است، مَن از دست این نفس به تو پناه می‌برم و به تو شکایت می‌کنم».

به ما اینگونه آموزش داده‌اند. خب این دعایی است که شما هم با آن اُنس دارید. «إِلَيْكَ أَشْكُو»؛ آمده‌ام نزد تو شکایت کنم از دست چه کسی؟ از دست این و آن؟ نه، از دست خودم آمده‌ام شکایت کنم. اگر یک روزی از شما پرسیدند

اسمش أجل است، آن وقت این هم اگر وقتش برسد نه یک لحظه جلو می‌افتد و نه یک لحظه عقب می‌ماند، اما کی است؟ همین چند ثانیه دیگر است؟ امشب است؟ فرداست؟ در این هفته است؟ در این ماه است؟ در این سال است؟ خیلی نامعلوم است. بنابراین در کل وقت ما بسیار کم است؛ حالا وقت کم بماند، یعنی به فرض بگویند که ۱۰۰ سال، اگر بگویند مثلاً صد سال هم تازه وقت کم است که همچنین چیزهایی نمی‌گویند، علاوه بر این که اصلاً نامعلوم است و مشخص نیست که پیمانہ کی سرزیر خواهد شد.

همین چند تا جمله را کنار هم بگذارید. چنین کسی آیا راهی جز پناهندگی به ساحت قدس ربوبی دارد؟ لذا این مسیری که در مناجات «خمسہ عشر» به ما نشان داده شده، در آن مناجات اول که «مناجات الشاکین»



که شما از چه کسی شکایت دارید و شما یک لحظه تأمل کردید دیدید یک فهرستی دارید از کسانی که از آنها شکایت دارید؛ من شکایت دارم از دست فلان دوستم، از او دلخور هستم، شکایت دارم از دست همسرم، شکایت دارم از دست فرزندم، خدای نخواستہ شاکی هستم از دست پدر و مادرم، از دست مدیر خودم، جایی که در آنجا کار می‌کنم؛ ببینید از چه کسی ما شاکی هستیم، شکایت‌مان از چه کسانی است؟

اما اگر از شما پرسیدند و گفتی از خودم شاکی هستم و از کسی شکایتی ندارم. اگر انسان رسید به این نقطه، این معنایش این است که متوجه شده‌ایم که باید وارد چه درگیری جدی‌ای بشویم و در این درگیری جدی خدای متعال را به کمک می‌خواهیم و خدای متعال هم تضمین کرده، یعنی شما از خدای متعال کمک

بخواهید یاری می‌شوید و در این مسیر به هیچ وجه شما را تنها نمی‌گذارد. اگر در تجربه‌های گذشته خودتان، در ذهن شریفتان آمد که بله من فلان جا تصمیمی داشتم، کمک خواستم، یاری نشدم و امثال اینها قطعاً بدانید که اشکال از سمت ما بوده است. باید برگردیم ببینیم اشکال ما کجاست. باید اشکال‌مان را شناسایی کنیم و ان شاء الله آن را مرتفع کنیم.

انسان سالک حالش حال تضرع دائمی است. اگر می‌خواهید بدانید که آیا شما وسط میدان مبارزه با نفس هستید یا نیستید، باید به این سوال جواب بدهید که آیا شما متضرع هستید یا نیستید؟ اگر تضرع دارید، اگر زاری دارید، اگر التماس دارید، یعنی مثل یک کسی که افتاده وسط یک مشت دزنده، از چند طرف او را احاطه کرده باشند، این چه کار بکند به نظر شما؟ این



همان جا آرام مثلاً نشسته است تا خورده شود یا فریادش به کمک خواهی بلند است؟ زمین و زمان را با جیغ و فریادش پُر می‌کند که به فریاد من برسید. کمک خواستن اینگونه است. آیا ما از خدای متعال اینگونه کمک خواستیم؟ اینجا جای همان تضرّع و کمک‌خواهی متضرّعانه از ساحت قدس ربوبی است. این هم نکته دوم.

تمثیلی برزخی

من هم هیچ وقت یادم نمی‌رود یکی از بزرگان و از خوبان ما بودند، از مراجع تقلید زمان ما که البته به رحمت خدا رفته‌اند؛ چون مطلب تنقیصی نسبت به ایشان هست من اسم شریفشان را نمی‌برم. در یک نوبتی یک جمعی آقایان رفته بودند که آقا ما را نصیحت کنید. ایشان فرمودند من همین جایی که نشستم یک چند لحظه استراحت کرده بودم، مثلاً یک

خواب سبکی من را گرفت. در آن وضعیت دیدم یک سگ خیلی زشت کثیف سیاه به من حمله کرده. خدا برایتان نیاورد، حمله سگ خیلی حمله بدی است، آنهایی که تجربه دارند می‌دانند یک چیز بی‌ربطی است. گفت من همین جور مشتم را گره کردم با تمام قوه‌ای که در بازویم بود کوبیدم در سر این سگ وحشی که به من حمله کرده بود. حالا تعبیر خود ایشان بود، فرمودند از شدت دردی که در سر خودم احساس کردم از خواب بیدار شدم. بعد ایشان فرمودند این همان جمله است که «أَعْدَىٰ عَدُوِّكَ نَفْسَكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ»^۶؛ گفت این در واقع تمثیل برزخی نفس من بود. نفس خودم بود که حالت حمله‌اش را نشان داد. البته ایشان می‌گفت خدا را شکر کردم که حداقل یک مشتی بر سر او زده

۶ - بحار الأنوار ، جلد ۶۷ ، صفحه ۶۴



3. ظرفیت توّسل به اولیاء الهی

مطلب سوم این است که ما از ظرفیت توّسل به اولیاء الهی استفاده کنیم. از ولی خدا کمک بگیریم. کمک حضرت حق تبارک و تعالی متجلی می‌شود در مددخواهی از باطن ولی کامل. انسان از ولی عصر (علیه‌السلام) کمک بخواهد، خود را به او بسپارد، ارتباطش را با او تقویت کند. کسی که مربی عالم است و انسان تمام است و تمام انسان است، یادش برای سالک دلگرمی می‌آورد، امید می‌آورد، آن احساس که شما تنها نیستید، دست یاری‌گر پروردگار متعال است که به مدد شما می‌آید و علاوه بر اینکه یاد ولی کامل انگیزه‌های انسان را هم برای سیر تقویت می‌کند. شما وقتی کسی را که بر قله‌هاست یاد می‌کنید، این برای کسی که در راه است انگیزه‌بخش است. یعنی نگاه

باشم. یعنی این مقدار ظاهراً یک توفیقی پیدا کرده بود.

میدان، میدان «جهاد اکبر» است. به همین جهت هم گفته‌اند «جهاد اکبر». یعنی آن طرف رفته جنگیده بالاخره مجروح داده، شهید داده، با آن شرایط سخت و دشوار برگشته، پیامبر عزیزمان به او می‌گوید که مرحبا شما از «جهاد اصغر» آمدید و دارید می‌روید به سمت «جهاد اکبر»! اینها مگر چه کاری سخت‌تر از این کاری که ما رفته بودیم به میدانش؟ به مصاف نیزه‌ها و شمشیرها و چه کاری سخت‌تر از آن و بزرگتر از آن پیش روی ما هست؟ حضرت فرمودند بله آن جهان بزرگتر «جهاد نفس» است، جهاد با نفس است که پیش روی شما است.



بتواند در مسیر به او مشورت بدهد. زمان‌هایی انسان در دشواری‌ها، عقبه‌ها و یک گردنه‌های خیلی پیچیده و سختی است. اگر آنجاها انسان قرار گرفت، گاهی نیاز به راهنمایی دارد، گاهی سر دو سه راهی‌هایی قرار می‌گیرد، گاهی مطلب خیلی برایش واضح نیست و نیاز به راهنمایی دارد. فارغ از این اگر خدای متعال به انسان یک راه‌شناس و راهنما را روزی کرد، خیلی باید انسان قدرش را بداند. چون او باز در سلسله اسباب یکی از نقاط اساسی برای سیر ما محسوب می‌شود. یکی از کمک‌های بزرگ خداوند برای سالک این است که چنین کسی را روزی او کند تا بتواند با او راه را بهتر شناسایی کند، سرعتش را زیاده‌تر کند، احیاناً از بعضی از خطرها بتواند خودش را در یک مسیر پُر خطر نجات دهد و پیش برود.

به قله‌هاست. یعنی آن خود حقیقی ما یک چشم‌اندازی در افق انسان کامل دارد، وقتی شما کسی را یاد می‌کنید که بر فراز عقل مستقر است، کسی را به آن توجه پیدا می‌کنید که تمام مکارم اخلاق در ساحت شخصیت او به کمال رسیده است، این برای شما هم الهام‌بخش است. هم پیش‌برنده است، هم کمک‌کننده است، امیدبخش است و هم همت می‌دهد به انسان. اصلاً خود این همت بسیار اساسی و پیش‌برنده است. این هم نکته سوم.

4. کمک‌خواهی از راه‌شناسی امین

نکته چهارم که ما باید به عنوان اصول از آن یاد کنیم این است که انسان در مسیر، یک مشاوره امین و راه‌شناسی را از خدای متعال تمنا کند و در جستجو باشد و پیدا کند تا



5. مدیریت زمان در مبادی سیر

مطلب بعدی عبارت است از اینکه سالک باید بتواند در مبادی، یعنی در نقاط مقدماتی سیر مدیریت زمان داشته باشد و وقت خودش را بتواند برنامه‌ریزی و مدیریت کند. این مطلب اساسی است، مخصوصاً این که اشاره کردم که ما در معرض مخاطره قوه وهمیه هستیم. قوه وهمیه چند جا میدان‌دار می‌شود. یکی از آن جاهایی که قوه وهمیه میدان‌دار میشود و شهوات انسانی را تحریک می‌کند، در فراغت‌های برنامه‌ریزی نشده است. یعنی وقتی که شما یک وقت‌هایی دارید که این وقت‌ها به حسب ظاهر وقت‌های خالی هستند و تحت قیادت‌های شما نیستند و برنامه برای‌شان تنظیم نکرده‌اید. دیده‌اید یک وقت‌هایی که انسان نمی‌داند می‌خواهد چه کار کند چه بلایی سرش

می‌آید. یک وقت‌هایی است که وقت‌های برنامه‌ریزی شده نیست. این اگر کنترل تلویزیون دستش باشد به هر شبکه‌ای می‌زند، اگر فضای مجازی باشد به هر جایی سر می‌زند که ببیند چه خبر است، اگر کسی دوستی رفیقی مثلاً دم دستش باشد از هر دری سخن می‌گوید، از زمین و زمان و یک چیزهای بی‌ربط و جزئیات و چیزهایی که واقعاً نه هیچ مشکلی از مشکلات دنیای انسان را حل می‌کند و نه هیچ مشکلی از مشکلات دین انسان و آخرت انسان را حل می‌کند. به هر حال این محور جزء آن محورهای اساسی است. مگر می‌شود ما در سمت مربی دیگران قرار بگیریم ولی نتوانسته باشیم اوقات خودمان را مدیریت کنیم که کلید اساسی در خودسازی، در پیشرفت اخلاقی، پیشرفت معنوی و پیشرفت علمی، همین مدیریت زمان و مدیریت وقت است.



کریم می‌گوید که وقتی به او می‌گویند «وقت» تمام، شروع می‌کند به التماس کردن و می‌گوید «رَبِّ ارْجِعُون، لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ»^۷ می‌گوید خدایا مرا برگردان به اندازه یک عمل صالح دیگر به من «وقت» بده. خوب جواب به او چه است؟ جواب به او می‌گوید ما به تو کرور کرور «وقت» داده بودیم، با آن «وقت‌ها» چه کار کردی؟ پاسخ، پاسخ ناامیدکننده‌ای است. به او می‌گویند دیگر وقتش تمام است «مَنْ وَرَأَاهُمْ بَرْزَخٍ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»^۸ دیگر ایشان وارد بَرزَخ شدند و هستند تا قیامت برپا شود. خوب عمر یک چنین قیمتی دارد و شاید پیش ماها ارزان‌تر از آن نشود پیدا کرد. ما شبانه روز در فکر گران‌شدن کالاها و این جور چیزها هستیم، جاری زندگی مان هست و به آن مبتلا هستیم و گاهی هم شرایط را

عمدتاً هرزه‌گردی خیال و میدان‌داری وهم و ایجاد طوفان‌های موسمی در ساحت هیجان‌های نفسانی، عمدتاً در خلأهای زمانی برای انسان پیش می‌آید، وقت‌هایی که انسان نتوانسته اوقات خودش را به شکل مناسبی مدیریت کند. علاوه بر همه اینها آنجا میدان اصلی برای حضور شیاطین هست و قطعاً بدانید فرصت‌های خالی فرصت شیاطین محسوب می‌شود. مسئله خطرناک‌تری هم داریم و آن مسئله خطرناک‌تر همین است که ما اساساً این «وقت» سرمایه اصلی مان برای سلوک است. یعنی اگر یک وقت به شما بگویند برای رفتن این راه سرمایه‌تان چه هست؟ شما می‌گویید سرمایه اصلی من «وقت» من است. یعنی اگر یک لحظه به شما بگویند «وقت» شما تمام شد چه به روز ما می‌آید؟ دیگر امکان سیر شما ندارید. این همانی است که در قرآن

۷ - آیات ۹۹ و ۱۰۰ سوره مؤمنون

۸ - آیه ۱۰۰ سوره مؤمنون



از یک عالم فقیه، راه رفته، شخصیت بسیار دوست داشتنی و موفق در سن حدود ۸۵ سالگی بود. آن وقت می گوید که این نفس اماره خطرناک به من حمله کرد و در آن تمثیل مطلب را برای شما متذکر شد.

یعنی می خواهد بگوید که تا این نفس بند نیامده، این قلب از کار نیفتاده و ما را نبردند به آن خانه ابدی، این درگیری ادامه دارد. یک وقت کسی نگوید پس کی تمام می شود؟ تا ما هستیم این مبارزه هست. بنابراین باید عازم یک مبارزه دائمی باشیم. از حالت انفعالی هم باید خارج شویم و به مبارزه خودمان حالت هجومی بدهیم. روایت هم دارد که حضرت فرمودند «اَمَلِكُوا اَنْفُسَكُمْ بِدَوَامِ جِهَادِهَا؟» شما با مداومت در جهاد است که می توانید به نقطه ای برسید که اسمش هست مالکیت بر خویشتن».

۹ - غرر الحکم ، جلد ۱ ، صفحه ۱۵۰

سخت می کند برای همه ما. یعنی واقعاً دغدغه ایجاد می کند. در این میانه خودمان داریم ارزان می شویم و حراجی شده ایم و برای مان دغدغه ایجاد می کند. این مسئله را باید برایش یک فکری کرد.

این نکته هایی که دارم عرض می کنم مواردی است که اگر برایش یک تدابیری نداشته باشیم، عملاً در این میدان جهاد کامیاب نمی شویم. یعنی می رویم دو قدم جلو، ده قدم می آییم عقب.

6. دوام جهاد

مطلب بعدی این است که شما وارد شدید به یک میدان جهادی که این میدان تا نفس دارید برقرار است. یعنی یک وقت یک کسی نگوید کی تمام می شود. من مثالی که برایتان زدم از چه کسی بود؟ از یک شخص عادی بود؟ مثالی که اکنون خدمتتان تقدیم شد



می تواند باشد؟ آن نقطه غلط این است که یک وقت مثلاً ما بگوییم که ما ظاهراً همیشه در حال مجاهدات هستیم، من مثلاً ده سال پیش هم داشتم برای مدیریت غضبم مبارزه می کردم، الان هم همچنان در حال مبارزه هستم. ملاحظه فرمودید، نه؛ پس یک وقت خیالمان را راحت نکنیم. اینها در مقدمات راه است. میدان، میدان وسیعی است. جلوه دشمنی و وسوسه شیطانی در مسیر کاملاً متفاوت خواهد شد. انسان سالک در آن مبادی و منازل مقدماتی حساب نفس را در محور غضب و شهوت خواهد رسید. بعدش نگرهبانی است. نگرهبانی می دهند نسبت به این حوزه که دوباره از آن جاها نخواهد آسیب برسد. منظورم این است که مواظب باشید درجا زدن خودمان را به پای تداوم جهاد نخواهیم بگذاریم. چون گاهی ممکن است در ذهن انسان بیاید که ما همچنان در حال مجاهدات

خودتان بر خودتان مسلط شوید آن زمانی خواهد بود که شما دائم در جهاد باشید. اینکه یک روز برنامه ریزی کنیم، یک روز فعال باشیم، یک روز رها کنیم، پنج روز برویم، شش روز نرویم؛ اینگونه کسی در این میدان موفق نمی شود. این میدان مبارزه دائمی می خواهد، انسان باید مهیا باشد. وقتی شما می گوئید مبارزه دائمی، یعنی باید بدانید که دشمنان دائم فعال است. دشمن دائم فعال است، قسم خورده تا شما را اغوا کند و دست از شما بر ندارد. آیا وقتی کسی دشمن فعال دائمی دارد می تواند بدون جهاد دائمی سربلند، موفق و پیروز شود؟ خب نمی شود که. بنابراین این را برایش عازم باشیم برای این که این میدان هست. متنها یک نکته را به خودم و شماها باید یادآوری کنم. این کلمه «دوام جهاد» نباید ما را به غلط بیندازد. آن نقطه غلط چه



بهشت وارد شدید آنجا اولین مکان راحت است. یعنی در این مسیر راحتی وجود ندارد، دنبالش نگردید، مبارزه است و مجاهدت و چالش.

سوالات مخاطبین

سوال: یکی از دوستان پرسیدند که اگر کسی از الان شروع به مراتب سیر کند، گذشته اعمالش چقدر اثرگذار است؟

پاسخ: ببینید حتماً مؤثر است. در مسیر طی شده احیاناً آسیب‌هایی که انسان دیده است، آفت‌هایی که به آن مبتلا شده است، اینها الان جزء واقعیت‌های شخصیتی او محسوب می‌شوند. بنابراین مؤثر است. اما نه تأثیر به این معنا که مانع سیر او بشود. یادتان باشد که در این مسیر به هیچ وجه هیچ بن‌بستی وجود ندارد. تنها چیزی که اینجا اصلاً وجود ندارد

هستیم. البته یک کسی می‌گفت من همیشه در حال جهاد هستم و همیشه همان کسی که در این کشتی پشتش به خاک می‌رسد ظاهراً من هستم! چنین مجاهدت پُرافتخاری را داریم پشت سر می‌گذاریم. به خدا پناه می‌بریم.

از امام صادق (علیه‌السلام) است، طرف پرسید که آقا جان بالاخره ما پس کی راحتی می‌شویم؟ «أَيْنَ طَرِيقُ الرَّاحَةِ؟» راه آسان‌تری را شما به ما نشان بده، راه نجات است؟ حضرت فرمودند «فی خِلافِ الهوى» اگر شما موفق شوید با خواسته‌های نفسانی مخالفت کنید به آن آسایش خواهید رسید. طرف مثل اینکه آرام نشد. گفت «مَتَى يَجْدُ عَبْدُ الرَّاحَةِ؟» پس، آدمی چه زمانی به آسایش دست می‌یابد؟ حضرت هم فرمودند «عِنْدَ أَوَّلِ يَوْمٍ يَصِيرُ فِي الْجَنَّةِ» اولین روزی که

۱۰ - بحار الأنوار ، جلد ۷ ، صفحه ۲۵۴



این رویارویی و مبارزه این آن کلیدهای اصلی محسوب می‌شوند و قواعد عام هستند و شامل همه می‌شوند. منتها در هر کدام هم بحث‌های اختصاصی است که آنها را هم ما به همین شکل فشرده به صورت یادآوری عرض می‌کنیم.

سیدالکریم

الحمدلله بحث ما وقت خوبی بود، در شب ولادت حضرت مجتبی (علیه‌السلام) و شب نیمه ماه مبارک رمضان، از خدای متعال توفیق می‌خواهیم، امیدوارم ان‌شاءالله حضرت حق به ابروی این امام کریم عزیز و بزرگ که پیغمبر اکرم (صلوات‌الله‌علیه) فرمود «ابنِی هَذَا سَيِّدٌ»^{۱۱}؛ این پسر من آقا است. در یک جای دیگر هم از حضرت نقل شد که فرمودند «لو كان العقل رجلا لكان الحسن»^{۱۲}؛

۱۱ - عوالم العلوم ، جلد ۱۵ ، صفحه ۳۰۷

۱۲ - بخار الأنوار ، جلد ۹۰ ، صفحه ۳

بن بست است. خیلی صریح به ما گفتند راه در هر شرایطی برای شما گشوده است. اما معمولاً سابقه، کار را در مسیر سخت می‌کند. می‌شود گفت برای جبران، توبه و اصلاح، همیشه این امکان در اختیار سالک وجود دارد. مگر اینکه به خدا پناه می‌بریم قبلش انسان وقتش تمام شده باشد. ولی وقتش که باشد بختش است.

راهکارهای عمومی در مبارزه با نفس

از خدای متعال توفیق می‌خواهم ان‌شاءالله به مدد پروردگار متعال من این فهرست قواعد را در جلسه آینده تکمیل کنم تا بعد برویم به سراغ بعضی از راهکارهای اختصاصی. اینها راهکارهای عمومی در جهاد اکبر و در مبارزه با نفس است. این عرایض ما هم در قوه غضبیه و هم در قوه شهویه و هم در قوه وهمیه، در همه ساحت‌ها پاسخ می‌گوید. در



درباره‌اش گفته می‌شود و ظرفیتش بخواهد به صورت عینی در چهره‌ی انسانی نمودار بشود می‌شود حسن (علیه‌السلام).

خدای متعال را قسم می‌دهیم به این امام بزرگ، کریم، مهربان که دست ما را در این میدان پرخطر بگیرد و ما را یاری کند. از امدادهای ویژه، از آن نصرت‌های ویژه‌ای که نسبت به بهترین دوستانش داشته است ان‌شاءالله ما را هم بهره‌مند کند. خدای متعال را قسم می‌دهیم به محمد آل محمد اگر تا اینجای ماه مبارک رمضان مشمول مغفرتش قرار نگرفتیم الساعه در همین لحظات نورانی خدای متعال همه ما را مشمول رحمت و مغفرت خودش به آبروی این امام کریم قرار بدهد. ما را در این میدان پر فراز و نشیب تنها نگذارد. مدد ولی خودش، ولی‌الله‌الاعظم امام عصر (ارواح‌نفسه) را شامل حال همه ما قرار بدهد. امام

عزیزمان، اُمت گرامی‌مان را در پناه لطف خودش حفظ کند، یاری کند، به اوج عزت برساند، مشکلات و گرفتاری‌ها از زندگی عموم دوستان اهل بیت مرتفع کند. دشمنان را به ویژه صهیونیست‌های تبهکار خبیس را خوار و ذلیل کند. خدا را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل محمد عمر کثیف ننگین‌شان را به پایان برساند و ریشه‌کن‌شان کند. خدا را قسم می‌دهیم به حق محمد و آل برکات مادی و معنوی خودش را در این ماه عزیز بر عموم دوستان محمد و آل محمد، مخصوصاً حاضران در این جلسه نورانی و خانواده‌هایشان و عزیزانشان نازل بفرماید ان‌شاءالله.





موضوع بحث ما در باب قواعد عمومی جهاد اکبر می باشد. اینها قواعدی هستند که به هر یک از ما کمک می کنند تا در تربیت خودمان و در توسعه شخصیت خودمان، در حفاظت از شخصیت خودمان، در نگاهداشت خودمان بر صراط مستقیم بندگی موفق شویم و بتوانیم به شایستگی عمل کنیم. این قواعد، هم در مبارزه با قوه وهمیه، هم در مبارزه با قوه غضبیه و هم در مبارزه با قوه شهویه ما را یاری خواهد کرد. در هر سه میدان ما به لطف خدای متعال ان شاء الله می توانیم وارد یک مبارزه، جهاد و درگیری ظفرمند و کامیاب شویم.

«حجة الاسلام والمسلمین محمدجواد حاج علی اکبری»